

هو الله - يا من عتبتك السامية ملجئى و ملاذى و ساحة...

حضرت عبدالبهاء

اصلى فارسى



٧٨

هو الله

يا من عتبتك السامية ملجئى و ملاذى و ساحة قدسك مرجعى و معاذى اتضرع بقلب مضطرم بنار محبتك و دمع منسجم فى شوقى الى لقائك و توقى الى ملكوت بهائك و ذوقى حلاوة وفائك أن تؤيد بنفحات قدسك و جذبات انسك و تنصر بافواج احزاب ملكوتك الابهى و امواج بحور موهبتك الكبرى هذا العبد المنجذب الى ملكك الاعلى المشتعل بلظى نيران محبتك بين الارقاء المشتغل بخدمة امرك بين الورى الناطق بثنائك بين الوزراء و الامراء الناشر لنفحاتك فى محافل الذكرى و الرافع للوائك فى الملاء المتوجه الى ساحة الكبرياء الساطع بنور الثبوت فى عهدك و ميثاقك و الساعى فى تثبيت الاقدام على ما امرت به جميع اصفيائك و حتمت على اوليائك و ختمت به خطابك اى رب ايدى بجنود لن يروها خلقك و شيدى بهجوم من ملائكة قدسك و اجعله نجماً ناجماً و نيراً منيراً و نوراً مبيناً و نسيماً من رياض احديتك و شميماً من عرار نجد رحمانيتك و سطوعاً من انوار ملكوت ربانيتك و بزوغاً من شمس جبروت فردانيتك و علماً متموجاً على صروح عرك و وحدانيتك اى رب شدد ازره بشديد القوى و قو ظهره بعظيم سلطانك بين الورى و اجعل الافئدة تنجذب اليه و العقول تذهل بين يديه و الآذان ممدودة لاستماع بيانه و الابصار شاخصة من مشاهدة بشاشته و القلوب هائمة فى ملاحظة نضرة وجهه أنك انت المقتدر المتعالى العزيز الغفور الرحيم الودود . ع ع



ORIGINAL



AUDIO

در این ایام هر چند این مستمند ابداً فراغت و فرصت مکاتبت ندارد ولی نفعات محبت احبّاء الله چنان این قلب را منجذب نموده که در تحریر زمام از دست بکلی می‌رود من دون اختیار مرقوم میگردد و بالاخص چون به یاد آن منجذب الی الله اتم تحریر سبب روح و ریحان میگردد و کتابت بادی مسرت، مشقت راحت جان گردد و زحمت رحمت وجدان. باری الیوم باید جمیع در ظلّ کلمه توحید جمع شویم و در هر انجمنی چون شمع برافروزیم و در آتش عشق بسوزیم. بعد از صعود جمال محمود و غروب آفتاب ملکوت به چه عالمی دل بندیم و به چه راحتی چشم داریم و چگونه بیسائیم و به چه امید محفل قلب بیارائیم؟ صد هزار حسرت اگر دقیقه‌ای آسوده نشینیم و صد هزار افسوس اگر به جز بلایا و محن و آلام سببیلش راحت و نعمتی بجوئیم. آن جان پاک ایامش را تحت سلاسل و اغلال بگذراند و اوقاش در تحت تهدید تیغ و شمشیر منتهی گشت دمی نیاسود و نفسی راحت نیافت شبی در بستر راحت نیارمید و بر بالین آسایش سر نهاد. جمیع طیور و وحوش در لانه و آشیانه خویش آرمیده و جمال مبارک در آتش اذیت اعداء محترق و کلّ نفوس در بستر راحت غنوده و اسم اعظم دمی نیاسوده و نفسی راحت نیافته، دیگر به چه انصاف راحت و آسایش طلبیم و به چه وفا آسودگی جوئیم؟ حمد خدا را که آن جناب لیلاً و نهاراً به خدمات امر الله مشغولند و در نشر نفعات الله ساعی و در انتشار انوار معرفت الله جاهد. لعمرک هذا لموهبة من مواهب الله التي لاتعادلها موهبة في عالم الوجود فسوف تتشعشع انوارها و تفوح نفعات مسک نوافجها و تمر نسائم ریاضها و تتدفق میاه حیاضها عند ذلک تری الشّامتين شاکرین و تجد الشّاکین حامدین و تنظر الّأسفین حاسدین و تقطع ایدیهنّ اللّاتمات و یقلن حاش لله ما هذا بشراً ان هذا إلاّ ملک کریم و العاقبة للمتّقین.

باری حضرت قیوم بعد از صعود آنچه وعد فرمود وفا نمود و شفای صدور عطا کرد و نسائم سرور به مرور آورد احبّای خویش را به جنود غیب تأیید کرد و به قوای ملکوت نصرت فرمود در جمیع نقاط ارض دوستان را یاری کرد و در کلّ اقالیم یارانش را یآوری نمود. در شرق انوارش ساطع شد و در غرب آثارش باهر گشت اعدایش در جمیع اقالیم ذلیل شدند و دشمنانش در کلّ ممالک بی ناصر و معین. هر ذی قوتی ضعیف شد و هر ذی فساد و سطوتی حقیر و بی مجیر. ملاحظه فرمائید که اسباب غیبی فراهم آمد که جهلای ارض بر فساد و فتنه برخاستند و حکومت دولت ایران را به ستوه آوردند و شورش نمودند و آشوب افکندند تا معلوم گردد که اسّ فسادند و اصل عناد و تا آن که مصلح از مفسد ممتاز شود و وقوعات کاشف راز و اثبات شود که گرگانند در لباس شبان و دزدانند در صورت نگهبان جهان وجود را ظلمت شدیدند و راحت و آسایش عمومی را مانع عظیم. به همچنین در مدینه کبیره جمعی معاندین اجتماع نموده و به انواع حیل و خداع و مکر در ترضیع امر الله بوده و تشتیت شمل احبّاء الله و تفریق جمع حزب الله. قسم به جمال قدم که آن حزب الداء چون به جمال الدین بی حیا ملحق شدند چنان آتشی در مدینه کبیره افروختند که بیم آن بود که نائره‌اش به کنگره مطاف عالمیان رسد و صدمه اش به بنیان امر الله دستی از ملکوت غیبش در آمد و آن جمع را چنان پریشان کرد که هباءً منبثاً شد و به هلاکت ابدی گرفتار

گردید. پس این عباد باید به شکرانه تأییدات الهیه اش شب و روز در اعلاء کلمه اش بکوشیم و در آتش محبتش بجوشیم و به ذکر و ثنایش بخروشیم. با وجود این عنایت و این موهبت و این نصرت و این تأیید چگونه صامت نشینیم و ساکت گردیم؟

فوا اسفا علینا لو مکثنا و صبرنا و ما فدینا الارواح و تعلقنا بالاشباح و ما شربنا ذلك الراح و وا حسرةً علینا اذا اشتغلنا بهوی انفسنا و التهینا بشئون دنیانا و ابتلینا باهواء تحرمننا عن تلك الفيوضات و تمنعنا عن هذه التجلیات لعمری انّ هذا لخسران مبین. ع ع

